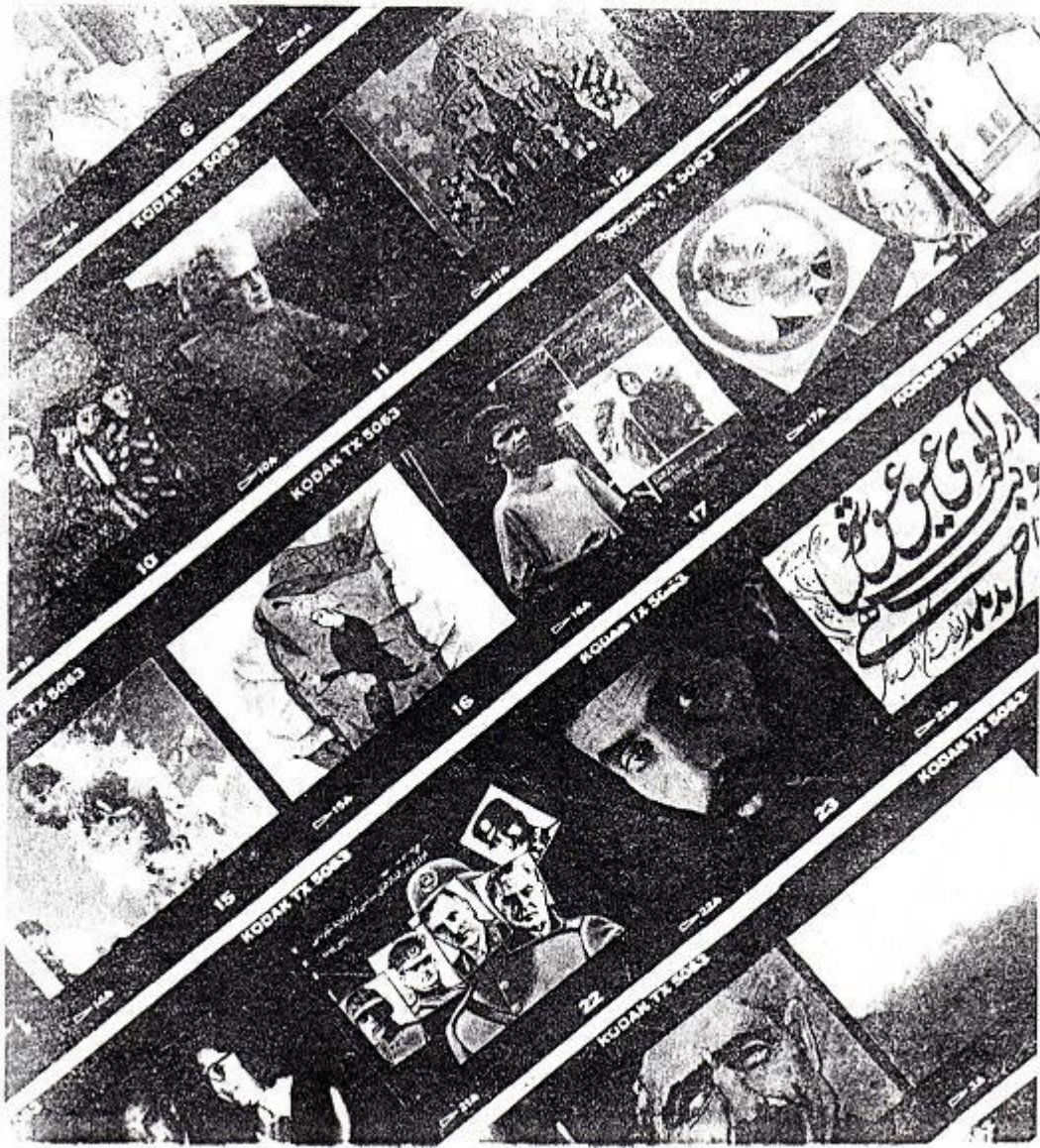


سردبیر فرهنگ و هنر

درد استنباط داستانهای شیرین خاطرات

سه شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۸

سال اول - شماره طلایه



ما
وب
بریه
زاده
حمد:
نگی
فقیه
شنی
ناطق
رکلی
مکان
شاملو

سخنرانی همانا طوق در بر کلی

دکترهما ناطق در کنفرانس مسائلی ایران ، ابتدا متن تهیه شده سخنرانی خود را کنار نهاد و گفت :

با اینکه ما درمن تبریزی بوده ، پدرم تبریزی بوده و خودم هم خوب ترکی حرف میزنم و از ترکی هم خیلی ترجمه کردم ، ولی بعنوان یک آذری یا یک ترک ، سخنرانی امروز خودمویه را منتهای ایران تقدیم میکنم .

(سخن او با کف زدنهای شورانگیز حاضران یکی دولحظه قطع شد) .

بخصوص که از منتهای ایران ، همچنان که خواهم دید ، بیش از ما آذری ها در اندیشه پیشرفت ، حتی در اندیشه انقلاب اجتماعی و انقلاب مشروطیت ایران نقش داشتند ، با زوان مسلح انقلاب مشروطیت ایران بودند . ایدئولوژیهای انقلاب مشروطیت ایران بودند و ستارخان ، باقرخان و انجمن تبریزی وجود نمیداشت ، اگر که از منتهای تشکیلاتی برای آنها نمی دادند . از همه اینها من یاد خواهم کرد . این یک مسئله . مسئله دوم اینکه چرا درست در همین سال ۱۹۰۵ یعنی سال انقلاب روسیه که در قفقاز خبری از انقلاب نبود و حتی جنگ ارمنی - آذری بود ، چرا نه تنها این جنگ در ایران ، کوچک ترین نشانه ای باقی نگذاشت ، چطور شد که درست برعکس ، ارمنی ها کی گه از قفقاز آمدند یا از ترکیه پناهنده شدند ، انقلاب آذربایجان را بنیان گذاشتند ... و عجیب اینکه اسم فدائی را از منتهای ایران دادند . در ۱۸۹۷ اولین حزب سیاسی و مسلح ایران را بنام حزب ارمنی های فدائی در ایران به پا کردند . به اینهمه خواهم پرداخت . اما اینکه چرا آذریها هیچ نقشی نداشتند ؟ اندیشه برادری و برابری را در مشروطیت ایران ، آذربایجان فتح کرد ، ولی نه به کمک آذریها ، به کمک ارمنی ها . یعنی یک مسئله فرهنگی که در واقع در اینجا طرح شد . پس این حیدرخان ، یا نمیدونم این حزب همت که استالین اونو بنا کرده بوده ، اینها پس چیه ؟ چگون حیدرخان که دیدگاه ارمنی نبود . آبیادر این قفقازی که اصلاً انقلاب نبود ، حزب سوسیالیست نبود ، حزب بلشویک نبود ، حزب منشویک نبود ، حیدرخان چه چوری بلشویک بود ؟ فرض کنیم که درست میرسیم بیست و شش جلدلنین را میخوانیم که به صداقت سوگند که من خوندم . دیدم اصلاً این آقای لنین ، همه ما را کرده نوی کیسه ، میگه نه ارمنی ، نه یهودی ، نه مسلمان ، همه اینها بیرون از نقطه سوسیالیست ، بنا بر این ما هیچ ارمنی سوسیال دمکرات وابسته به بلشویک و منشویک نداریم ، مسلمان هم نداریم . خواهم خوندم براتون . در وقت با

خلقها و خودمختاری وزبانهها ، که اینها همه زائیده بورژوازیه . بعضی استالین هم خلاصه یک چیزها می گفته ، عوضی برداشته و دوباره به ترتیب نوشته و که میگه اصلاً لنین بیخودی میگه این حرفها مال بورژوازیه . مال فئودالیزمه ، او یک قدم بالاتر گذاشته . خوب میخوانم به اینجا برسم پس این تهفت چپ ، تا ریخچه ش چیه ؟ اصلاً آیا تا ریخچه ای داره ؟ نکته که تروریسم حیدرخان عموغلی ، به مثابه سوسیالیسم برای ما تعبیر شده . همینطور ...

هم هست وقتی که نگاه میکنیم ، می بینیم حیدرخان وابسته به تروریست های قفقاز و نه به سوسیال دمکرات ، بمب اندازی رو لنین محکوم شناخت ، بنا بر این بازگشت مقاله من به تا ریخچه ای فعالیت خودم هم هست . یعنی به نقد خودم نشستم . و به نقد افکاری نشستم که من در تاریخ به بیراهه

برده ، ملت ایران را گمراه کرده . بنا بر این از یکسوی دیگه این پژوهش را که بخشی از یک پژوهش طولانیست که چهار رساله است در دست دارم و سه چهار رساله دیگر هم طول میکشد ، بدانشجویانی اهدا میکنم ، که فدای ایران را میسازند .

بریم سر مطلب ... هر جاش راه که من اشتباه کردم ، شهود عینی که در قفقاز زبوندند به شما خواهند گفت که تاریخ تکرار نشده ، منتها این بار بصورت کمندی اش . بنا بر این اول از همون جنگ شروع میکنم ، برای اینکه منبرم اصلاً تا ریخچه ای از وضعیت آذربایجان در ترکیه بگم .

آغاز نخستین جنگ آذری و ارمنی در قفقاز ، انگیزه های گوناگون داشت . یکی بحران اقتصادی بود ، یعنی بحران نفت بود در باکو . یکی مسئله تحریک دولت روسیه بود که برای اولین بار برای تحریکی که به جنگ کرد ، برنامهم مشترک پیدا کرد با دولت انگلستان و با دولت ترکیه و همچنین برخی از کشورهای دیگر . اول بحران اقتصادی رویگم که جودر پاریان سنه ۱۹ (هما منظور که میدونید و توضیح واضحی واضحا ته) همراه با رشد سرمایه داری ، همراه با رشد صنعت در قفقاز ، صنعت نفت ، روبه گسترش رفت ، بطوریکه تولید نفت باکو ، به همان اندازه ای همه چاههای نفتی آمریکا شد . خوب این مسئله خیلی مهمی را ایجاد کرد . جمعیت باکو که ۱۵ هزار نفر بود ، در ۱۹۰۱ رسید به دو بیست و شش هزار نفر . ۵۳ هزار نفر از این جمعیت ، آذری اند . ۳۴ هزار تا ش ارمنی اند . ۱۸ هزار تا ش هم ایرانی . بقیه اش هم روس و یهودی و بلغار . اما این ۵۳ هزار آذری ، فقط در ۱۲٪ صنعت آنجا دست دارند . سی و چهار هزار تا ارمنی ، ۳۰٪ صنعت باکورا اداره میکنند . مثل همین کاری که در ترکیه کردند . یعنی ترکیه ارمنی کش ، فقط مسئله اش این بود که چرا ارمنی کار میکنند به یک جاشی رسیده که مثل منتهای در سایر رشته های صنعت و تجارت هم با اینها بودند . ۸۰٪ ما هیگیری هم دست از منتهای قفقاز زبوند . تفاوت دوم ، کارگر ما هر

ارمنی ها حقوق برابر داشتند با مسلمانان. که اولین کشتار شد. وقتیکه کشتار عظیم و سرکوب سراسری در ترکیه راه بیفتد، اینها حزب داشناک سیون درست کردند. تلگرافی دارم ننندند میگم که به حرف خودم برسم. ۱۹۰۳ نه سوسال دمکراسی - همداش تکیه میکنم - بلکه حزب داشناک سیون ارمنی، اولین اعتمایات نفتی، با کورا بسداه میاندازند و دولت روسیه هیچ راهی در چو اینک جنگی که وجود نداشت، یک جنگ نژادی بین مسلمانان و ارمنی ها، قفقاز برآه اندازد.

اما چرا بین آذری ها راحت تر میشد اسلحه پخش کردن تا بین گرجی ها؟ که بیشتر دشمن ارمنی ها بودند. دولت انگلستان فکر میکرد که اگر اتحاد اسلامی را که سلطان عبدالحمید اعلام کرده بود - ایران و قفقاز راه ببره، راه برای اینکه روسیه با طرف هند بسته میشه، اولش در ۱۸۹۸ یک ملا بحق علم میکنه و اعلام جها دمیده. اول به روسها و بعد به ارمنی ها. بهترین راه این بود که اسلحه پخش کنند این کشورها با هم صلح متمدن اروپایی بکش با همیشه در دفاع از ارامنه. بعد از اعلام جها دتما روزنامه های هند و انگلیسی با او محاسبه میکنند، قشون تدارک می بینند که ارمنی کشی راه بسدازه بخاطر اتحادشون کمک میکنه. همیشه دولت انگلستان از آخوند جماعت دفاع میکنه نه بخاطر اینکه از اسلام خوششون میاد، برای اینکه همیشه فکر کردند که اسلام، سدره نفوذ روسیه س. بنا بر این دومین جنبش ضد ارمنی و ضد مسیحی را انگلیس ها فراهم کردند. ترکها هم که حالشون خواهم رسید. اما بزرگترین دشمن ارامنه، خود حارب سوسالیست یعنی سوسال دمکراسی و لنین بود. و هیچکس از نظر فکری با این جنبش های خلقی کرد و ارمنی به اندازه سوسالیست و دمکراسی و به ویژه حزب گرابش بلشویک، مخالفت نکرد. حال اجرا؟ لنین وقتی ارامنه شروع کردند که فدرال درست کنند، بعد هم از زبان شان دفاع کنند، هفت هشت تا مقاله نوشت در ۱۹۰۴ درباره مسئله ملی. یکیش، یعنی مهمترین جلد شه. (البته به زبان فرانسه اش).

وقتی در ۱۹۰۳، ارمنی ها کوشیدند بیجا را برای اینکه به پیوندند به این جنبش انقلابی روسیه، یک حارب سوسالیست دمکرات ارمنی بزندتوی قفقاز. لنین گفت با بدایتها را بیرون کنیم هم اینها رو، هم یهودی ها، هم مسلمانا رو. اولاً که زبان ناسیون... (این چیزائی که با هم برگزیده مقالات و مجموعه ای مقالات، یاوست... لنین اصل شو گفته) لنین، مردم روسیه نمیگه، میگه ناسیون روسیه. خیلی مهمه. بعد نگاه کنید، میگه اینها یک مشت ارمنی، میگن ما خواهان خود مختاری هستیم. و می نویسه ما خواهان خود مختاری نه برای خلق ها بلکه برای پرولتاریا هستیم. (منتها من معنی آن را نمی فهمم یعنی چه؟) طبقه کارگر ایاد سرنگونی سرمایه را هدف قرار بده، زین

بیشتر داشتند، ۵۴٪ کارگران آذری، کارگران غیرما هر بودند. سومتفاوتش: کارگران آذری برخاسته زرعی بودند. یعنی نیمه رعیت بودند، نیمه کارگر بودند. که ما چینی ها میدانیم که یعنی شکل نمایی توانست یاد بگیره، سازماندهی برنمیدار این آذری ها که من میگم، ایرانی توش نیست ها، این خیلی مهمه، چون دشمن جب، یعنی چپ قفقاز، اولین دشمنش ایرانی ها هستند. ۸۰٪ ایرانی های اونجا، مهاجرانی بودند که از دهات خراسان و آذربایجان رفته بودند، بعد هم برمی گشتند پیش زن و بچه ها شون و قرار داده شون با یکساله یا سه ساله. اصلاً حاضر نبودند توهیح دگرگونی شرکت کنند. چشون میترسیدند مرز بسته بشه و نتونند برگردند پیش زن و بچه ها شون. بنا بر این اونها مکنارند. اما در صدشون باز توی نفت و صنعت بیشتر از آذری ها ست. این مسئله اقتصادی را هم میگم که از ۱۹۰۱ به بعد که به علت تغییر سیاست نفتی یک بحران نفتی میافتد به باکو و در نتیجه دستمزد کاهش پیدا میکنه و یک عده را بیرون میکنند، اولین قربانی کیه؟ ارمنی ها ئی هستند که بیشتر از همه در صنعت نفت، نقش دارند، تا آذریها.

بنا بر این اولین اعتمایهای باکو را ارمنی ها بخاطر دستمزد، نه بخاطر سوسالیسم و اینها، تدارک دیدند. دومین انگیزه ای که ارمنی ها متشکل میشن و باز پیشروی فکری پیدا میکنند، و این در ۱۸۸۱ است که جنبش انقلابی روسیه شروع میشه که اولین شورا های دانشگاهی در سن پترزبورگ ایجاد میشه که البته لنین، آنا "مخالفت میکنه. شوراها که تشکیلات میشه و جنبش دانشگاهی با جنبش دانشجویی - روشنفکران - پیوند میخوره و سراپست میکنه به کارگران. روس ها میترسند. چرا؟ برای اینکه در قفقاز این اقلیت ها که استقلال طلب هستند، بخصوص ارمنی ها، بخاطر گذشته ها ئی که در ترکیه دادند، از ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۸ یک میلیون ارمنی در ترکیه کشته شدند، یک میلیون دیگه هم از ۱۹۱۵ به بعد در نتیجه طبعی بود که انتقام و بودند و دیگه خلاصه انقلابی در یک جهت. به این لحاظ از ترس اینکه این جنبش و این انتقامجویی نیاد به قفقاز و ارمنی ها قفقاز را بهم بزنند، از ۱۸۸۱ دولت روسیه تمام مدارس ارمنی را بست، در قفقاز ۲۰ هزار شاگرد را از مدارس بیرون کرد.

در ۱۸۸۲ اولین حزب شون را که درست کردند، چرا درست کردند؟ برای اینکه در ۱۸۷۶ در ترکیه اعلام مشروطیت کردند و دین اسلام شد دین رسمی. وقتی شد دین رسمی، این ارمنی ها و اقلیت مسیحی که با نسی ترکیه بودند، از حقوق خود شون محروم شدند. و دوتا حزب با هم ائتلاف کردند و یک سازمان فرهنگی بوجود آوردند.

۱۸۹۵، آغاز کشتار دیگر است در ترکیه، به این خاطر که ارمنی ها راه پیمانگی راه میندازند، برای کسب حقوق شان. چرا که قبل از اینکه مشروطیت اعلام بشه، این جدائی دین از دولت در ترکیه اعلام شد. که

ملیت ، فرهنگ چیزی جز اختراع
بورژوازی نیست .

پرولتاریای جهان متحد شوید . نگفته که متفرق شوید . که این ارمنی وقتی میگه من میخوام حکومت فدرال درست کنم ، نه تنها تجزیه روسیه را میگه ، بلکه میگه کارگران جهان متفرق شوید ... بنا بر این بیرون . ۱۹۰۵ در سرآغاز انقلاب ، ما از کمیته (لنین نوشته) ما از کمیته مرکزی نامه ای دریافت کردیم ، آگاهی یافتیم که سازمان کارگری سوسیال دمکرات را منتهای سراسر شامل کرده که قطعاً مای سوسیال دمکراتها را امضاء کند . البته نمیگه بیائین تو ... میگه قطعاً ما را امضاء کنید . اما کمیته مرکزی ما با این امضاء موافق نیست و مخالف شرکت این سازمان کاملاً بیگانه بدون هیچ پیوند راستین با روسیه است .

میخوام از اینجا وارد بشم . دوباره در هفتم سپتامبر ۱۹۰۵ مینویسه :
من به شما اکیداً هشدار میدم در مورد فدراسیون سوسیال دمکرات را منته . اگر شما شرکت آنها را در کنفرانس بپذیرید ، خطای بزرگی کرده اید .

بیش میگن که آخ فردا هم میگن که ما مثل الکساندر سوم و ما این تزارها میخوایم قفقاز را روسی بکنیم . میگه هرچی میخوان بکن ، یعنی مزخرف میگن . هرچی من میگم درست . در نتیجه ما منته را بیرون کردند ، یهودیها را هم بیرون کردند ، اما اعتصابهای قفقاز ؟ اما ما میخوایم که طبری و اینها میگن لنین دفاع کرد ... اینها برای هدفهای کمونیستی کاری نکردند ، برای دستمزدشون اعتصاب کردند . این اعتصابها با تمام هدف سوسیال دمکراسی مخالف بود . خلاصه اعتصاب ارمنی راه سیندازه ، مسلمون راه سیندازه ...

وقتی میگن ۱۹۰۴ استالین در قفقاز حزب همت درست میکنه ، با ورکردنی نیست وقتی زبان روسی ، زبان پرولتاریاست ، (این عین جمله لنینه) و هیچ زبان دیگری ای این قابلیت را نداره ، چطور میشه با ورکرد که استالین یک حزبی درست کنه ، مسلمون . در ۱۹۲۳ ، کنگره مسلمانها در قفقاز پیشنهاد کرده مسلمونان بجای سوسیالیسم ، قرآن را قبول کنند ، یعنی عنوان نسخه سوسیالیسم . حال همینطور .

مسلمونان چند زنه هستند ، تا جیک ها میغه میکنند ، همه این کارها در آذربایجان هم رواج داره . خلاصه برخلاف آنچه گفته شده ، نمی توانیم بگیم که سوسیال دمکراسی روسیه ، به انقلاب ایران کمک کرده ، باید ببینیم اصلاً سوسیال دمکراسی در قفقاز بوده ، در انقلاب روسیه ۱۹۰۶ ، یعنی وقتی انقلاب تمام شده ، نگاه کنید به دوروبرش . همانا طبق در اینجا به نامه ای از یک سوسیال دمکرات گمشده " اشاره میکنند که تا پنج هفته پیش هنوز در اینجا اثری از سازمان لسه یکی نبود ... خلاصه ... خلاصه اتفاق تا دهه حالا این سوسیال دمکرات دا و طلب شده است تا هفته ای یکبار خش کند .

بنا بر این این که میگن حزب بلشویک داشتیم ، می بینید که در سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶ حزب بلشویک وجود خارجی نداره . ارمنی ها و شما کسانی هم که از بیرون آمدند ، نمیتونستند و بسته با شد ...

ناطق سبس به محرکهای دیگر جنگ استناد میکنند و اینکه حیدر عمو و غل ... تروریست در آمد و وقتی جنگ شروع میشود در ۱۹۰۴ ، ژوئیه ۱۹۰۴ ، ۲۱ اکتبر ، ۲۴ اکتبر

و خیرکشتا ر می رسیده قفقاز ، دولت روسیه کمک میکند به پراکنده شدن افراد ... اذربایجان یک کنگره پنهانی میگذارد در ترکیه و نوار شیخ الاسلام که از ۱۸۹۳ بر افتاده بود دوباره راه می افتد ، حق برپائی مدارس دروغ است ، آزادی کامل دادوستد دروغ است ، و بعد هم مسلمانها نروند نظاً موظف برای اینکه سربازان ارمنی روسی گوشت خوک میخورند ... و فاسد و کافرند ...

در ۱۹۰۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ و ۹ هر سال یک کنگره اسلامی در باکو برگزار میشود و این تنها مشغله ایست که مسلمانان قفقاز دارند . اولین اقدام این بود که آذربایجان را از زیر نفوذ فرهنگی ایران بیرون کشیدند . نخستین کاری که کردند ، ایجاد روزنامه بود علیه ایران ، یعنی دور انداختن تمام موازیه های که با آذربایجان ایران بود در زبان آذری و جمع کردن کتا بها نیکه تا آنوقت آنها میخواندند . دولت روسیه ، فوراً " دا و طلب شد که کمک مالی به نشر این فرهنگ اسلامی بکند . همه دا و طلب میشوند ، شرکها دا و طلب بودند ، انگلیسیها که دا و طلب بودند ، روسها هم که بله ... الان هم همانها هستند ...

روزنامه های لوموند را آوردیم که به شما نشان بدم . که ببینید کی ها دفاع میکنند از همین دولتها . روسها بسیار خوش آمد گفتند ، اولین روزنامه ای که درست کردند ، همان من روسی بود ، هم سردبیرش روس بود . کازینف یکدونه علمبرداران خان هم داشتند که سردبیر قلابی بود . بقیه آذربایجان را هم آوردند نشوندند . از این وابستگی که به عنوان اتحاد اسلامی بزبان روسی همه جا میفرستادند ، چندین روزنامه پیدا شد به زبان ترکی . حیات و تازه حیات . ارشاد و آرامنه ، حزبی درست کردند که در همین آمریکا شما میتوانید ردی ای آترا بندها کنید . برای اینکه آرامنه همان موقع اینجا ، روزنامه ای درمی آوردند بنام " آرمینیا " . استیت دپارتمان همان موقع تمام اسناد را از این جنگ خونین در اختیار آنها گذاشته بود . بسیار نشریدی خوبست . پرازنسداست واقعا و گزارش روز بروز از ترکیه و ایران و ... خودشان نوشتند ، حتی خود آذربایجان . اولین تبلیغ و تحریک جنگ بوسیله روزنامه های روسها دو تازه حیات و توسط این روزنامه ها در قفقاز بعمل آمد . یک روشنفکر متوجه خطر شد و آنهم جلیل محمدقلی زاده ، یعنی صاحب روزنامه ملانصرالدین است . تا ۱۹۲۱ ، او جانب همکیشان خود را و انهاد ، و جانب ارامند

گرفت . بعنوان اینکه عناصر آزادخواهی-
اند . یکیش را من اتفاقا در الفبا ترجمه
کردم . به اسم کمانچه .

در اینجا خانم همانا طق این نوشتار را
میخواند ، که بازتاب گسترده ای هم در جلسه
می یابد .

... در آن روزگار هم که روشنفکران
آذری که خطر را احساس کرده بودند ، بازبان
شکلک ، بازبان شعرا ده (ملانصرالدین)
افتاء کردند این مسائل را . ولانصرالدین
نقش بسیار مهمی ایفا کرد در ایران که از
انجمن ارامنه دفاع کرد در مقابل آذری ها ،
یک مقاله دیگر هم دارد که میگه مگر شما
نمی گید که با گو ، مال آذریهاست ؟ چطور
میشه که در این با گو ، بهبودیها مدرسه شون
بیشتر از مسلمانهاست . خوب حالا شما میگید
ارمنی ها با سوادند ، اما اینها چرا بیشتر
مدرسه دارند ؟ حال شما بمن میگید ملا جعفر
به پروبای مسلمونای بیچی ! تو مسلمونی
تو آذری هستی ، آخه بس کن ! ملا میگه آخه
چرا بس کنم ؟ چون مدرسه هم بسازی ، هجی
نمیشی !

ژانویه که درگیری شروع میشه ، درست ۱۵
فوریه ، پلیس اسلحه تقسیم میکنه بیسن
آذری ها . ۱۹ فوریه آذریها ریختند به جان
ارمنی ها و ارمنی کشی شروع شد . ۲۲ فوریه
که خبر در روزنامه ها انعکاس پیدا میکنه ،
که مهمترین آن اینست که روزنامه وایسته
به سوسال دمکراتها ، یک ستون بازار
میگن راجع به کشتارهای قفقاز . مرتب
هم مینویسه و شما میتوانید با پیگیری آن از
رویدادها اطلاع پیدا کنید . ۱۵۰ نفر
ارمنی روز اول کشته میشن . ۲۵ فوریه
ساعت ۱۱ صبح تیراندازی میکنند . بازار
ها را می بندند ، ۲۱ فوریه دوباره ساعت
۶/۵ صبح خانه های ارمنی ها را آتش
میزنند ، همراه با چاه های نفتی . این
بانمکه که وقتی این آذری ها و ارمنی ها
با هم دعوا کردند ، دوسوم چاه های نفتی
خودشونو آتش زدند ، که کمبود نفت بوجود
آمد در با گو . بطوریکه گزارش دادند ، در ۲۱
فوریه میگه در سخت ترین روزهای خونین
تاریخ هم چنین تیراندازی شی دیده
نشده . در ۲۲ فوریه ، هم کشیش های ارمنی
و بعضی از روحانیون شیعه ، متوجه میشن
که کلاه سرشان رفته ، نفت داره میسوزه ،
دارن هم دیگه رو تکه پاره میکنند و به خیال
آشتی دادن آدمها که پلیس مسلحون کرده ،
افتادند . ۲۷ فوریه ، بازار ارمنی و آذری ،
بریکدیگر شوریدند . حکومت شایع کرد که
ارمنی ها میخوان انقلاب کنند . اول تزار
را بکشد و بعد مسلمونان رو ... گزارش هست :

همه دکانها و ادارات بسته اند . جنگ
های خونین ادامه دارد ، کوچه های با گو ،
اساسا از مردگان است .

می بینید که حتی بگه مورد اشاره انقلاب
قفقاز نیست . اینها را میخواهم توجه کنید .
هیچکس بگه واژه انقلاب و اعتصاب بکنار
نبرده ، همه ش کشتار ه . روزها شکسته
روید در انقلاب هست ، کمیته انقلاب

ارمنی ها با لایحه قبول میکنند یک نامه
سرگناه بنویسه برای آذریها . میگه شهر
ما صحنه خونریزی هاست . خلاصه همسایه بود
که همسایه را کشت . پس ما از ته دل به شما
خوش آمد می گیم . زیرا میدانیم این جنگ
به زیان هر دو ملت ما ست و بسوددیگران .
آذریها هم قبول میکنند . با لایحه آخوند
میره پایی منبر . چون با تمک براتون
میخونم :

آری ما همه برادریم . اختلاف مذهبی
نیاید کینه و دشمنی بیافرینه . بدران و
اجداد ما همه در صلح و صفا زندگی کردند ، اما
محرک شیطان است و لعنت بر شیطان .

اسم نمی بره که این شیطان کیه . شیطان
ترکیه است ؟ شیطان روسیه است ؟
با لایحه سعی میکنند که اینها را آشتی بدن .
ولیکن دولت روسیه خیلی بی اعتنا تراز
این مراسم آشتی کنان کشیش و روحانی
شیعه است . حتی هشدارهای ملانصرالدین
از اینرو جنگ را میبرند به تفریس ، جنگ
را میبرند به نخجوان ، و در با گو ، ششم
سپتامبر دوباره جنگ را از سر میگیرند .
آذری ها حمله به ارمنی ها و محاصره آنها را
شروع میکنند . و دوباره تلگرافست که
کوچه ها مملو از اجساد است ، در یک محوطه
۴۰۰ نفر ارمنی را یکجا آتش زدند . تسوپ
و توپخانه را هم روسها به آذریها میدهند . حتی
رژمانوشان را هم روسها دادند . نه هم
سپتامبر گزارشی هست :

هم اکنون آتش از جاهای نفت زبانه
میگردد . دود سیاهی آسمان با کورا پوشانده
ارمنی ها و آذری ها در کار کشتار ریگدیگرند .
در حالیکه قشون در حال حرکت بسوی با گو است
تا با شلیک توپخانه راه را برای مظفرالدین
شاه که از سن پترزبورگ راهی ایران میشه
باز کند . جمعه ۲۵ تا از زیبا ترین بنا -
هایی که ارمنی ها در با گو ساخته بودند ،
و اینیه تاریخی شان بوده ، همه را آتش
میزنند و از بین میبرند . نهم تا میبرند
آن انقلابیونی که از روسیه پناهنده آورده بودند
آنها از این داستان بهره میگیرند و یکی دو
اعتصاب در با گو رخ میدهد . در همه مدت
یک کلمه ، یک واژه ، نگوی ، نپرس .
نه کا توفسکی ، نه پلچیانوف ، هیچکدام ،
نه در دفاع از ارمنی ها و نه در محکوم کردن
آذری ها

سخنرانی همانا طق در کفرانس ، یکی
از سخنان بهترین سخنرانی های "سیرا" بوده ، و
یکی از برشورترین جلسات .
بیان صمیمی ناطق و اینکه در ابتدای سخن
هم گفت من خود را به نقد می کنم . این حق راسته
اودا دتا با شجاعت کم مانند به مسئولی میرزارد
که تا بحال ، جب ، آترا حوزهی ممنوعه میشناخت .
و در این سخنرانی ، با استناد به اسناد
تاریخی ثابت کرد که انقلابیون روسی - حتی
اساسا - سهم و نفیر اعلی زاد در کشتار ارمنی
جنگ آذریها و ارمنی ها داشته اند .

اگر گاشتی و بعضی در این نوشتار هست ، از
ماست و نه از سخنران . چرا که ما این سخنرانی
را از روی نوار منتقل کرده ایم و بالطبع اشتغال
بسیان صمیمانه و خودمائی سخنران ، بسیار در نوار
و گاه ناممکن بوده است ...